

را اجرا می‌کردند. در عصر آنان، آغاز تربیت دینی، از متن شرایط انحطاط‌آمیز اجتماعی بود. می‌توان گفت که در بدترین شرایط اجتماعی نیز می‌توان از تربیت دینی سخن گفت. عصر ارتباطات و چالش‌هایی که با خود می‌آورد، مانع از تربیت دینی نیست. منطق تربیت دینی، منطق مقاومت و حرکت در برابر موج‌ها و جریان‌ها و نیز گاه مهار کردن آنهاست.

سومین عنصر تربیت دینی، ارزیابی، گزینش و طرد است. این ویژگی در واقع، خود پشتوانه‌ای برای تقوای حضور در شرایط عصر حاضر است. لازمه حضور غیر انفعالی، ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. بر این اساس، تربیت دینی همواره باید پدیده‌های نوظهور این عصر را مورد ارزیابی و نقادی منصفانه قرار دهد و افراد را برای گزینش و طرد آماده سازد. آموختن این نوع مواجهه با پدیده‌ها، مهم‌ترین زمینه تأمین حضور سالم در متن شرایط است؛ به طور مثال، شبکه جهانی رایانه‌ای (اینترنت)، یکی از نوظهورترین پدیده‌های این عصر است. تربیت دینی باید در دانش‌آموزان، ذهنیتی روشن و منتقدانه به آن فراهم آورد که در آن، جنبه‌های مثبت و منفی این پدیده مشخص گردد و زمینه استفاده مناسب از آن فراهم آید. یکی از نکاتی که در خصوص نقادی اینترنت مطرح شده، بمباران اطلاعاتی است که این رسانه فراهم می‌آورد و به این ترتیب، خود می‌تواند به مانع رشد فکری انسان تبدیل شود.

نتیجه

رعایت کردن اصول و مبانی تربیت دینی و اسلامی در تربیت فرزندان، می‌تواند نقشی مؤثر در راه جلوگیری از تأثیر منفی فضاهای مجازی بر روی خانواده‌ها و فرزندان نشان داشته باشد؛ چراکه خانواده‌های دین‌دار، بیشتر از خانواده‌های غیردین‌دار می‌توانند فرزندان خود را از تأثیر منفی فضاهای مجازی دور نگه دارند؛ خانواده‌هایی که محبت بیشتری به فرزندان خود دارند، کمتر آنها را در معرض تأثیرات منفی ذکر شده قرار می‌دهند؛ خانواده‌هایی که بر نماز سر وقت تأکید بیشتری دارند، در مقابل می‌توانند محافظت بیشتری از فرزندان خود در برابر تأثیر منفی فضاهای مجازی داشته باشند و در نهایت، خانواده‌هایی که در به جا آوردن فرایض دینی، فرزندان خود را همراهی می‌کنند، فرزندان نشان کمتر تحت تأثیر موارد منفی فضاهای مجازی قرار می‌گیرند.

منابع:

۱. اکبری، ابوالقاسم و مینا اکبری. ۱۳۹۰. آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه.

۲. رحیمی، محمد. ۱۳۹۰. «عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی؛ مطالعه موردی شهر خلخال». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

۳. زنجانی‌زاده، هما. ۱۳۸۶. «بررسی تأثیرات اینترنت بر روش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان». مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. دوره ششم، ش ۲.

۴. ستارزاده، داوود. ۱۳۸۶. «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی. شماره چهاردهم.

۵. شکرپیگی، عالیه. ۱۳۹۱. «رسانه، زنان و مناسبات خانواده»، نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران.

۶. صادقیان، عفت. ۱۳۸۴. «تأثیر اینترنت بر کودکان و نوجوانان». مجله الکترونیکی نما، ش ۴.

۷. صبوری خسروشاهی، حبیب. ۱۳۸۶. بررسی آسیب‌های اجتماعی اینترنت. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۸. جلیلی فیروزی، شقایق. ۱۳۸۵. «بازنمایی هویت دینی در فضای مجازی؛ بررسی تأثیر حضور در گروه‌های دینی مجازی بر شکل‌گیری هویت دینی کاربران جوان». رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۹. آخوندی، محمدباقر. ۱۳۷۷. «بررسی هویت ملی مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن». رساله کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم اجتماعی.

۱۰. گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش. ۱۳۹۱. مجموعه قوانین و مقررات کاربردی جزائی. ناشر: آرا سبز، اول.

۱۱. رضوی، محمد. «جرایم سایبری و نقش پلیس در پیشگیری از این جرایم و کشف آنها». فصل‌نامه دانش انتظامی. سال نهم، ش ۱، قانون جرایم سایبری، مصوب ۱۳۸۸ش.

12. Clark. David, Charactrizing cyberspace: pasr, present and future, MIT, PUB, 2009, p. 3I; Bryant Rebecca, What Kind of Space is Cyberspace 2001. Minerva – An Internet Journal of Philosophy 5., 2001, pp. 138 – 155.

13. Cobb. J. Cybergrace: The Search for God in the Digital World. New York: 1998, Crown Publishers, pp. 45 ff. ■

بررسی هژمونیک

فضای مجازی و تأثیر آن در اسلام‌هراسی*



احمد یوسف پور**

مهران شعبان خواه لیلی و شهرام معصومی و مصطفی سلطانی پری***

اشاره

تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که ایجاد، شدت و میزان حملات اسلام‌هراسانه در کوتاه‌مدت، با وقوع یک یا مجموعه‌ای از حوادث در ارتباط هستند. محققان، به طور ویژه حوادث تروریستی را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکل‌گیری احساسات اسلام‌هراسانه و وقوع تنش و ایجاد فضای مناسب برای گسترش عقاید خصومت‌آمیز و شکل‌گیری سلسله‌ای از اقدامات خشونت‌بار قلمداد می‌کنند. این اقدام‌ها، نسبت به گروه‌هایی صورت می‌گیرند که در ظاهر عقاید مشابهی با تروریست‌ها دارند. با وجود آنکه نشانه‌هایی از اسلام‌هراسی از همان آغازین روزهای تولد اینترنت دیده شده، اما این موضوع به تازگی به عنوان یک مشکل اجتماعی که نیاز به بررسی دارد، شناخته شده است. پرداختن به یکی از پدیده‌های عصر پست مدرن، یعنی مرزهای مجازی و سایبرنتیک است که با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، مفهوم پیدا کرده است. این مقاله، رویکردی توصیفی - تحلیلی به مسئله فوق توجه کرده و به این نتیجه رسیده است که فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌خصوص در عرصه مجازی، در پیشبرد اهداف اسلام‌هراسانه بسیار موفق بوده است. به نظر می‌رسد که صیانت از هویت‌ها، مهم‌ترین بُعد کارکردی مرز در عصر جهانی شدن است.

پس از حملات تروریستی در فرانسه، رهبر معظم انقلاب در نخستین‌نامه خود به جوانان غربی، بر لزوم شناخت مستقیم و بی‌واسطه از دین اسلام تأکید کرد و از آنان خواست که اجازه ندهند مقامات کشورهای غربی، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به آنان معرفی کرده، به این بهانه، بر آتش اسلام‌هراسی بدمند. در این مقاله، قصد داریم با بررسی دو حادثه تروریستی صورت گرفته در اروپا و آمریکا، نشان دهیم همان‌طور که رهبر حکیم انقلاب بیان نموده، میان این گونه حملات و ایجاد اسلام‌هراسی، نوعی همبستگی وجود دارد. تمرکز اصلی مقاله حاضر، بر نشان دادن همبستگی میان وقوع حملات تروریستی و ایجاد اسلام‌هراسی در فضای مجازی است. **کلیدواژگان:** هژمونی، فضای مجازی، اسلام‌هراسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات.

* این مقاله در دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۹۶ ارائه شده است.

** کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز و مدرس گروه سیاسی دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد محمد رسول الله (ص) تهران.

*** کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

مقدمه

مرز و تغییرات مرزی، از اصلی‌ترین موضوعات مورد توجه در جغرافیای سیاسی است. مفهوم مرز به شکل امروزی، به زمان «معاهده صلح و ستفالیایا» در سال ۱۶۴۸ م برمی‌گردد که دولت‌ها بنا به درخواست ملت‌ها به وجود آمدند. بدین ترتیب، «منطقه سرحد» که گستره وسیعی را دربرمی‌گرفت، جای خودش را به «مرز» داد که به صورت خط روی زمین ترسیم شد. فلسفه شکل‌گیری مرزها، تفکیک قلمروهای سیاسی ملت‌های مختلف است. زیرا مرزها بیش از آنکه مشخص‌کننده محیط طبیعی باشند، متمایزکننده حاکمیت و مالکیت ملت‌ها هستند.

کارکرد و نقش مرزها، متناسب با زمان و تحول فناوری، تغییر می‌کند. این نقش‌ها می‌توانند به شکل اقتصادی، نظامی - دفاعی باشند و یا به صورت تفکیک قلمرو حاکمیت دو کشور، محل تعامل نظام (سیستم) دولت، جداسازی جوامع پیرامونی - که هویت بوم‌شناسانه و یکپارچه دارند - و کنترل تعاملات اجتماعی و مهاجرت‌ها محسوب شوند. اکنون کارکرد اصلی مرزها را چنین بیان کرده‌اند: تفاوت‌نمایی بین دو فضای جغرافیایی، تفکیک دو حاکمیت مستقل، یکپارچه‌سازی یک ملت، پایان دادن به نزاع و تأمین امنیت بین دو کشور، و بالأخره برقراری ارتباط و تعامل بین دو ملت.

با توسعه فزاینده «فناوری اطلاعات و ارتباطات» در عصر «جهانی‌شدن» و پیدایش و توسعه «فضای مجازی»، مرزهای سیاسی و بین‌المللی کارکردهای گذشته خود را تا حدود بسیاری از دست داده‌اند. از این پدیده ژئوپلیتیکی، دیگر نمی‌توان کنترل کالا، انسان و اندیشه و نیز حفظ استقلال کامل دولت - ملت‌ها را انتظار داشت؛



بلکه ضمن حفظ برخی ویژگی‌های گذشته خود، کارکردهای جدیدی را در دنیای جهانی‌شدن متأثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عهده گرفته که با کارکردهای اولیه خود متفاوت است.

در عصر حاضر، کشورهای حامی و پدیدآورنده تروریسم، از این فناوری در جهت بهره‌برداری هژمونیک و ایدئولوژیکی به اسلام‌هراسی بین جوانان، خاصه در اروپا و آمریکای شمالی، روی آورده‌اند.

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی) در اولین نامه خود (۱۳۹۳/۱۱/۱) به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی، در خصوص توطئه خطرناک ایجاد هراس در سایه ناامنی و گسترش تروریسم و سپس متهم کردن مسلمانان به انجام این اعمال خشونت‌بار، هشدار داده، جوانان را که از اندیشه‌ای کاوشگر و وجدانی بیدار برخوردارند، مورد خطاب قرار داده، در قسمتی از نامه فرموده:

«سخن با شما درباره اسلام است و به طور خاص، درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه پیش به این سو، یعنی تقریباً از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به هراس‌های گوناگونی که تا کنون به ملت‌های غربی القا شده است، بپردازم...؛ بلکه می‌گویم اجازه ندهید ریاکارانه تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست‌اول آن بشناسید و با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی الله علیه وآله وسلم) آشنا شوید... من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی،

مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند...»

گفتنی است که متن این نامه، آن قدر پرمحتوا و پیوسته است که انتخاب بخشی از آن دشوار می‌نماید. در این نوشتار، تنها قسمتی از نامه مذکور را که با گزارش این مقاله متناسب است، نقل می‌کنیم.

کینگ و ساتن (king and Sutton)، سه نوع رویداد مختلف را که یکی از آنها حملات تروریستی است، بررسی کرده، به این نتیجه رسیدند که وقوع پاره‌ای از حوادث خاص می‌تواند حملات نشئت‌گرفته از نفرت نسبت به یک گروه خاص را (Crimes Hate) در جامعه افزایش دهند. (king and Sutton, 2014). (Hanes and Machin) نیز به صورت تجربی نشان داده‌اند که پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا و هفتم جولای ۲۰۰۵ انگلیس، حملات اسلام‌هراسانه و تبعیض علیه مسلمانان در این دو کشور افزایش داشته و به این ترتیب، بر وجود ارتباط میان حملات تروریستی و افزایش اسلام‌هراسی صحنه گذارده‌اند. (Hanes and Machin, 2014, 267 – 247)

محققان علوم اجتماعی تحقیقات گسترده‌ای نسبت به چگونگی شکل‌گیری، مدت، دامنه و تشدید اسلام‌هراسی در جامعه صورت داده‌اند و به نتایج مهمی نیز دست یافته‌اند؛ اما تحقیقات اندکی روی موضوع اسلام‌هراسی در فضای مجازی صورت گرفته است. لوین (Levin) در مقاله‌ای به بررسی چگونگی استفاده گروه‌های افراطی و راست‌گرای آمریکایی از شبکه‌های رایانه‌ای در این کشور پرداخته است؛ ولی اسلام‌هراسی، موضوع اصلی مقاله وی را تشکیل نمی‌دهند. (Levin, 2002, 988 – 958)

چارچوب نظری

کشور، یک واحد سیاسی - جغرافیایی است که از پیوند سه پدیده سرزمین، ملت و حکومت به وجود می‌آید. به نظر می‌رسد که این سه عنصر در چارچوب مرز، مفهوم اصلی خود را پیدا می‌کنند. حق هر کشور برای کنترل سرزمین خود، درون مرزهایش تعریف شده است و از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود.

با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بسیاری از افراط‌گرایان جهانی شدن، سخن از حذف مرزها سر دادند؛ اما نگاه واقع‌بینانه یدآید

به این مسئله نشان می‌دهد که مرزها ماهیت جداکنندگی خود را از دست نداده‌اند. ساک

تأکید می‌کند که نوعی نیروی فوق‌العاده ذاتی در ترسیم و نگهداری مرزها وجود دارد که به‌سادگی از بین نمی‌رود. همچنین، وی معتقد است که نیروی مرز، از ساده و واضح بودن آن به عنوان شکلی از ارتباطات، سرچشمه می‌گیرد.

پاسی تأکید می‌کند که «قلمروخواهی» در جهان سیال، با جدیت خاصی دنبال می‌شود؛ ولی اشکالی که در قلمروخواهی اتفاق می‌افتد، از پیچیدگی بیشتری نسبت به گذشته برخوردارند. قلمروخواهی و محصور بودن، مفاهیم ارزشمند و قدرتمندی برای فهم کنش‌های «بر خط» هستند. این کنش‌ها، دلالت صریحی برای تعیین حدود مرزهای قلمروخواهی دارند.

ماهیت مرزها در عصر جهانی شدن، کاهش کارکردهای اقتصادی و کنترل فرسایشی تبادل اطلاعات سرمایه، کالا و انسان است؛ اما بُعد توسعه‌یافته و قدرتمند کارکرد مرز که با کارکرد مرزهای سایبر توأم شده، بُعد هویتی و صیانت از



هویت فردی، گروهی، قومی و ملی در برابر مفاهیم، ارزش‌ها و پدیده‌های فرایند جهانی شدن است. ملت‌ها، گروه‌ها، اقلیت‌ها و یا شرکت‌ها، از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات قادر می‌شوند شبکه ایجاد کنند و به شبکه‌های جهانی متصل شوند. این شبکه‌ها به آنان امکان می‌دهند که منافع، اهداف، نظریات و ایده‌های خویش را به طور مستقل تعقیب و بیان کنند و هویت خویش را در چارچوب دولت ملی و یا خارج از محدودیت‌های دولت ملی ابراز دارند.

هژمونی

واژه نزدیک دیگر به قدرت، هژمونی است. فرهنگ سیاسی آکسفورد می‌نویسد: هنگامی که یک طبقه اجتماعی فراتر از محدوده قهر یا قانون بر دیگران اعمال قدرت کند، آن قدرت را می‌توان قدرت هژمونیک توصیف کرد. هژمونی، به معنای به کار بردن زور برای تسلط نیست؛ بلکه موقعیتی ویژه است که یک طبقه با قرار گرفتن در آن، انتظار را به خود جلب و آنان را متقاعد می‌کند تا به رهبری‌اش تن دهند؛ آن هم نه فقط در حکومت، بلکه تمامی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی. بنابراین، هژمونی، به معنای سلطه ایدئولوژیک و فرهنگی است که می‌توان آن را نوعی تلاش برای به دست آوردن قدرت دانست؛ ولی با واژه قدرت، متفاوت است.

تعریف قدرت

راسل، ضمن تعریف قدرت، به «پدیدآوردن آثار مطلوب» اشاره می‌کند. به این ترتیب، قدرت، مفهومی کمی است.

نقد: نقطه ابهام این تعریف، آن است که آیا منظور، پدید آوردن بالفعل آثار مطلوب است؟ یا داشتن استعداد و آمادگی پدید آوردن؟

این مسئله مهم، همان چیزی است که گالبرت نیز می‌گوید: آنچه کمتر درک شده، این است که هدف از قدرت تا چه حدی صرفاً اعمال قدرت است؟ اگر منظور صرفاً ایجاد و فعلیت آثار باشد، در این صورت، تا شخص آثار مطلوب خود را به وجود نیاورده باشد، نمی‌توان گفت شخص واجد قدرت مورد ادعا هست یا نه؛ چراکه تنها پس از تحقق یافتن خواسته می‌توان گفت او قدرت دارد. نیز روشن نیست که آیا باید این آثار مورد قصد و نیت شخص باشد یا نه؟ یعنی آیا باید نتایج مورد نظر بوده و قصد شوند یا لازم نیست؟ و نیز آیا زمانی که در برابر اعمال قدرت مقاومت می‌شود، با زمانی که همکاری می‌شود، قدرت، همان قدرت است؟

این دو معنا را وبر مد نظر خود داشته که قدرت را امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران تعریف می‌کند. در این تعریف، جنبه احتمال و حیثیت استعداد مورد نظر قرار گرفته که به‌ناچار ویژگی پیشگویی و سنجش قدرت نیز داخل بحث‌های جنبی قدرت خواهد بود. از طرفی، تحمیل اراده بدون قصد، ممکن نیست. از این‌رو، فقط آن قسمتی از تأثیر، مورد نظر وی خواهد بود که با نیت و قصد باشد. همچنین، ویژگی دیگر این تعریف، آن است که قدرت را در فضای اجتماعی - سیاسی می‌بیند.

ولی از واژه «تحمیل» چنین فهمیده می‌شود که همواره باید در مقابل قدرت، اراده مخالفت و عدم پذیرش باشد و آن، قسمی که طرف مقابل با سازش و رضایت،

اراده شخص را می‌پذیرد، خارج از تعریف است؛ درحالی‌که گاهی اوقات افراد خود شخصی را به عنوان رهبر برمی‌گزینند و از او تبعیت می‌کنند.

دیدگاه پارسونز

او به دیدگاه سنتی از قدرت - که دیدگاه سی رایت میلز نیز بود - انتقاد کرده و معتقد است: قدرت را می‌توان نظام اجتماعی در نظر گرفت. در دیدگاه سنتی از قدرت، تصور شده بود قدرتی که در دست یک فرد یا گروه است، در دست فرد یا گروه دیگری که قدرت بر او اعمال می‌شود، نیست؛ به‌گونه‌ای که یک طرف، آن قدر قدرت دارد که بتواند خواست‌های خود را بر دیگری تحمیل کند و بر این اساس، میزان پیروزی یک طرف، با میزان باخت طرف دیگر، مساوی خواهد بود. در نظر پارسونز، قدرت و پول، نقش مشابهی در دو خرده‌نظام سیاست و اقتصاد دارند؛

واژه نزدیک دیگر به قدرت، هژمونی است. فرهنگ سیاسی آکسفورد می‌نویسد: هنگامی که یک طبقه اجتماعی فراتر از محدوده قهر یا قانون بر دیگران اعمال قدرت کند، آن قدرت را می‌توان قدرت هژمونیک توصیف کرد. هژمونی، به معنای به کار بردن زور برای تسلط نیست؛ بلکه موقعیتی ویژه است که یک طبقه با قرار گرفتن در آن، انتظار را به خود جلب و آنان را متقاعد می‌کند تا به رهبری‌اش تن دهند؛ آن هم نه فقط در حکومت، بلکه تمامی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی

استفاده از زور، یکی می‌انگارد، بسیار ساده‌اندیشانه و تابع تعریف ویر از قدرت است. گیدنز نیز در این معنا موافقت خود را با پارسونز بیان می‌کند.

بنابراین، استفاده از قدرت، غالباً وسیله‌ای است برای دستیابی به هدفهایی که هر دو طرف در یک رابطه قدرت خواهان کسب آن هستند.

گیدنز درباره نظر پارسونز می‌گوید: اشتیاق پارسونز برای ایجاد شباهت‌های صوری بین حکومت و اقتصاد و نیز بین پول و قدرت، چشم‌های او را به روی واقعیت‌های فریب‌کاری‌های سیاسی بسته است.

همچنان که کارکرد اصلی پول در اقتصاد مدرن، این است که به عنوان وسیله‌ای در گردش عمل کند؛ یعنی وسیله استاندارد می‌تواند بر حسب آن، ارزیابی و مقایسه کرد و به خودی خود، فایده و ارزشی ندارد. قدرت نیز وسیله گردش است که اساساً در خرده‌نظام سیاست ایجاد می‌شود. پس، همچنان که پول به دلیل توافق عمومی برای استفاده از آن به عنوان شیوه استاندارد مبادله، دارای ارزش است، قدرت نیز از روی توافق اعضا برای مشروع ساختن موقعیت‌های رهبری و اجرای تصمیمات در جهت پیشبرد هدف‌های نظام به افراد مسئول، به صورت وسیله‌ای برای دستیابی به هدف‌های جمعی درآمده است؛ اما دوباره مانند پول در سه خرده‌نظام دیگر آثاری دارد. سپس، پارسونز نتیجه می‌گیرد که بنابراین، قدرت را می‌توان چنین تعریف کرد: توانایی تعمیم‌یافته‌ای برای کمک به اجرای تعهدات الزام‌آور در واحدهای نظام سیاسی جمعی؛ هنگامی که تعهدات با ارجاع به ربط آنها با هدف‌های جمعی مشروعیت می‌یابند.

در عصر حاضر، کشورهای حامی و پدیدآورنده تروریسم، از این فناوری در جهت بهره‌برداری هژمونیک و ایدئولوژیکی به اسلام‌هراسی بین جوانان، خاصه در اروپا و آمریکای شمالی، روی آورده‌اند.

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در اولین نامه خود (۱۳۹۳/۱۱/۱) به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی، در خصوص توطئه خطرناک ایجاد هراس در سایه ناامنی و گسترش تروریسم و سپس متهم کردن مسلمانان به انجام این اعمال خشونت‌بار، هشدار داده، جوانان را که از اندیشه‌ای کاوشگر و وجدانی بیدار برخوردارند، مورد خطاب قرار داده است

تحلیل و بررسی

با وجود آنکه نشانه‌هایی از اسلام‌هراسی از همان آغازین روزهای تولد اینترنت دیده شده، اما این موضوع، به‌تازگی به عنوان یک مشکل اجتماعی که نیاز به بررسی دارد، شناخته شده است. به دنبال وقوع حوادث تروریستی در فرانسه، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در نامه‌ای خطاب به جوانان غربی، از تروریست‌های تحت استخدام مقامات کشورهای غربی سخن گفت و به این نکته اشاره کرد که وقوع حملات تروریستی از سوی چنین افرادی، به ایجاد اسلام‌هراسی و آنچه آنان پروژه «تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری»

پارسونز معتقد بود: قدرت، مستقیماً از اقتدار سرچشمه می‌گیرد. از این رو، اقتدار در نظر او، عبارت است از مشروعیت نهاده‌شده‌ای که اساس قدرت را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، او مشروعیت را در تعریف قدرت وارد ساخت. وی این مفهوم رایج را که اقتدار یک شکل از قدرت یا «قدرت مشروع» است، رد می‌کند و قدرت غیرمشروع از نظر او، اصلاً وجود ندارد. بنابراین، اعمال تهدید و اقدام‌های قهری و اجباری که بدون مشروعیت و فاقد توجیه است، استفاده از قدرت نیست؛ بلکه این حالت، حالت محدودکننده‌ای است که قدرت، چون خصلت نمادین خود را از دست داده، به صورت ابزار ذاتی تأمین خواسته‌ها و نه تعهدات الزام‌آور درآمده است.

پارسونز معتقد است: معمولاً زور در نظام‌های سیاسی، با ثبات به عنوان آخرین چاره به کار گرفته می‌شود و به کارگیری زور، به هیچ وجه نشانه قدرت نیست؛ بلکه در واقع، نشانه شالوده قدرتی پوشالی و بی‌ثبات است و دیدگاهی که قدرت را با



از سوی دولتمردان غربی خواندند، کمک می‌کند. مقاله حاضر، با بررسی دو حادثه تروریستی صورت گرفته در قاره‌های اروپا (انگلیس) و آمریکا (ایالات متحده آمریکا) نشان می‌دهد که میان حملات تروریستی و ایجاد پدیده اسلام‌هراسی در فضای مجازی، نوعی همبستگی وجود دارد و اقدام‌های تروریست‌های به‌ظاهر مسلمانی که به استخدام دولتمردان غربی درآمده‌اند، نتیجه‌ای جز پیشبرد اهداف دشمنان اسلام و مسلمانان ندارد.

اسلام‌هراسی در فضای مجازی

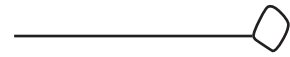
اینترنت، به افراد امکان می‌دهد که یک هویت جدید و ناشناس کسب کرده، نظارت‌های سنتی را پشت سر گذاشته، دیدگاه‌های خود را به شکل آزادانه‌ای با میلیون‌ها نفر دیگر در سراسر دنیا به اشتراک بگذارند. پیام‌های حاوی اسلام‌هراسی، می‌تواند به وسیله کاربرانی با هویت ناشناس یا با استفاده از یک هویت جعلی ارسال گردد و به این ترتیب، شناسایی مجرم مشکل‌تر شود. ناشناس بودن مجرم در موارد اسلام‌هراسی در فضای مجازی، فوق‌العاده خطرناک است؛ چراکه هر کس می‌تواند از این موقعیت سوء استفاده کند؛ ضمن اینکه مطالب منتشرشده در فضای مجازی، راه را برای خشونت علیه مسلمانان در فضای واقعی نیز باز می‌کند.

اسلام‌هراسی و پیامدهای آن

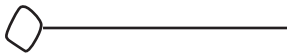
اسلام‌هراسی که در زبان انگلیسی Islamophobia خوانده می‌شود، از ترکیب دو کلمه phobia و islam به معنای ترس یا بی‌زاری نامعقول از چیزی تشکیل شده است. اسلام‌هراسی، ترس واهی در میان سیاستمداران و افراد عادی است؛ مبنی بر اینکه دنیای اسلام به طور عام و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به طور خاص، منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان، به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است. (سید امامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰، ۱۰۱) البته باید توجه داشت که اگرچه کاربرد این واژه به چند دهه اخیر بازمی‌گردد، ولی بحث اسلام‌هراسی پیشینه‌ای تاریخی دارد و در پس زمینه آن، علل مختلف تاریخی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و روان‌شناختی وجود دارد.

به طور کلی، اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد؛ بلکه یک دین خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی، در درجه پایین‌تری قرار دارد. بر این اساس، مسلمانان همواره تهدیدکننده ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند. (سید امامی و حسینی فائق، ۱۳۹۰، ۱۰۲) شکل‌گیری فضای ضد اسلام و مسلمانان در کشورهای غربی که توسط احزاب راست افراطی و رسانه‌ها تقویت می‌گردد، به سخت‌شدن شرایط زندگی برای مسلمانان منجر می‌شود و بدیهی است که این فضا، زمینه را برای اعمال پیش‌داوری و تبعیض ضد مسلمانان بیشتر می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی، واژه‌ای با شکل‌های بسیار متفاوت است و برآیند همه شکل‌ها و پیامدهای آن، اعمال پیش‌داوری و تبعیض ضد مسلمانان، تجاوز به حقوق آنان، برخورد فیزیکی، توهین لفظی، بی‌حرمتی به مقدسات، تبعیض سازمان‌یافته و نادیده‌انگاری و



به دنبال وقوع حوادث تروریستی در فرانسه، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در نامه‌ای خطاب به جوانان غربی، از تروریست‌های تحت استخدام مقامات کشورهای غربی سخن گفت و به این نکته اشاره کرد که وقوع حملات تروریستی از سوی چنین افرادی، به ایجاد اسلام‌هراسی و آنچه آنان پروژه «تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری» از سوی دولتمردان غربی خواندند، کمک می‌کند



بیگانه‌انگاری مسلمانان است.

بررسی کشتار سن برناردینو

در تاریخ دوم دسامبر ۲۰۱۵م در یک تیراندازی در شهر سن برناردینو، واقع در ایالات کالیفرنیا آمریکا، ۱۴ نفر کشته و ۲۱ تن نیز مجروح شدند و دو مهاجم نیز در تیراندازی پلیس کشته شدند. تیراندازان، محل مهمانی کارمندان بخش بهداشت عمومی شهرستان سن برناردینو را که در تالار کنفرانس برگزار شده بود، هدف قرار داده بودند.

مهاجمان این حادثه، سید رضوان فاروق ۲۸ ساله و همسر ۲۷ ساله‌اش تشفین مالک بودند. سید رضوان فاروق از پدر و مادر پاکستانی در آمریکا متولد شده و تشفین مالک نیز در پاکستان به دنیا آمده بود؛ اما بیشتر عمر خود را در عربستان سعودی سپری کرده بود. وی در ماه ژوئیه ۲۰۱۴م با ویزای نامزدی وارد آمریکا شد و با فاروق ازدواج کرد. سید رضوان فاروق به عنوان بازرس مسئول رسیدگی به رستوران‌ها در سازمان بهداشت بخش سن برناردینو کار می‌کرد و به گفته مقامات امنیتی آمریکا، از طریق شبکه‌های اجتماعی با تروریست‌های به‌ظاهر مسلمان در سوریه و عربستان، ارتباط داشته است. اینک، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که کشتار سن برناردینو چه تأثیری بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی آمریکا گذاشت؟

وولتاس و استفن دیویدووتز (- SOLTAS and STEPHENS – DAVIDO ITZ)، در یک مقاله مشترک به نام «افزایش جست‌وجوی نفرت در اینترنت» (The Rise of Hate Search) که در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد، با استفاده از عباراتی که در گوگل جست‌وجو شده‌اند، گسترش احساسات اسلام‌هراسانه در فضای مجازی در آمریکا را پس از کشتار سن برناردینو اندازه‌گیری کردند که در ادامه، به بیان مهم‌ترین نکات این مقاله (SOLTAS and STEPHENS – DAVI- 2015) می‌پردازیم. آنان به این نتیجه «ترسناک» رسیدند که اگر مدلی که به آن دست یافته‌اند، درست باشد، اسلام‌هراسی در بالاترین میزان خود پس از حوادث یازده سپتامبر است.

چند ساعت پس از این حادثه تروریستی و دقایقی پس از آن، رسانه‌ها گزارش

دادند که حداقل یکی از تروریست‌ها نامی شبیه به اسامی مسلمانان دارد. تعداد بسیاری از مردم کالیفرنیا تصمیم خود را گرفته بودند که قصد دارند مسلمانان را بکشند. بیشترین جست‌وجوی صورت‌گرفته در گوگل در ایالت کالیفرنیا که کلمه «مسلمانان» در آن وجود داشت، «کشتن مسلمانان» بود. در بقیه نقاط آمریکا نیز «کشتن مسلمانان»، یکی از عباراتی بود که بیشترین جست‌وجو در گوگل برای آن صورت گرفته بود. مردم گاهی اوقات افکار شریانه‌ای در ذهن دارند و در پاره‌ای از موارد نیز این افکار را در گوگل به اشتراک می‌گذارند. چگونه؟ با جست‌وجوی عباراتی که در گوگل وارد می‌کنند. بیشتر کاربران، به گوگل به عنوان منبعی نگاه می‌کنند که می‌توانند با استفاده از آن، اطلاعاتی را در مورد مسائل مختلف جست‌وجو کنند؛ اما همین کاربران در غالب موارد، افکار سانسورنشده خود را در حقیقت در گوگل تایپ می‌کنند و به این ترتیب، پنجره جست‌وجوی گوگل را می‌توان به عنوان نوعی اعتراف‌نامه در نظر گرفت. هر ساله هزاران عبارت در گوگل جست‌وجو می‌شوند؛ عباراتی نظیر: «من از رئیس خودم متنفرم» و «مردم کسل‌کننده هستند». در حقیقت، جست‌وجوهای صورت‌گرفته در گوگل، بیش از هر چیز دیگری، نشان‌دهنده احساسات انسان‌ها هستند.

به گفته سولتاس و استفن دیوید وویترز، جست‌وجوهای حاوی کلمات اسلام‌هراسانه در گوگل در ایالات متحده آمریکا، پس از حملات

تروریستی در پاریس، ۱۰ برابر بیش از هفته قبل از این حملات بوده است. به گفته آنان، در مورد حادثه «سن برناردینو» نیز همین اتفاق تکرار شد و جست‌وجوی کلمات اسلام‌هراسانه در گوگل افزایش یافت. در ماه نوامبر سال ۲۰۱۵م، حدود ۳۶۰۰ مورد جست‌وجو برای عبارت «من از مسلمانان متنفرم» و حدود ۲۴۰۰ مورد جست‌وجو برای عبارت «کشتن مسلمانان»، در آمریکا صورت گرفته بود. سولتاس و استفن دیوید وویترز معتقدند که این جست‌وجوها در گوگل، نشان‌دهنده احساسات بخش کوچکی از کسانی هستند که همین احساسات را دارند؛ اما آن را در گوگل مطرح نکردند.

البته نباید محدودیت‌ها و مشکلات چنین تحقیقی را نیز نادیده گرفت. به نظر می‌رسد، تحقیق روی جست‌وجوهای صورت‌گرفته در گوگل، از نوعی تبعیض در انتخاب (selection bias) رنج می‌برد؛ محققان به جای آنکه از یک جامعه آماری تصادفی از شهروندان آمریکایی بپرسند که چه احساسی نسبت به مسلمانان دارند، این اطلاعات را تنها از آنانی که دست آورده‌اند که تمایل به جست‌وجو در اینترنت را نداشته‌اند.

جست‌وجو برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد اسلام و مسلمانان نیز البته پس از حملات تروریستی پاریس و سن برناردینو افزایش یافت؛ اما این افزایش، بسیار کمتر از افزایش صورت‌گرفته در حیطه اسلام‌هراسی است. در روزهای پس از

کشتار سن برناردینو، به‌ازای هر آمریکایی که نگران رشد اسلام‌هراسی در کشورش بود، یک آمریکایی دیگر، در حال جست‌وجوی عبارت «کشتن مسلمانان» در اینترنت بود. پیش از این حادثه تروریستی، تقریباً ۲۰ درصد از جست‌وجوهایی که مردم آمریکا در مورد مسلمانان انجام داده بودند، همراه با عبارت اسلام‌هراسانه بود؛ اما ساعاتی پس از کشتار سن برناردینو، بیش از نیمی از تمامی جست‌وجوهای صورت‌گرفته در مورد مسلمانان، همراه عبارات اسلام‌هراسانه بوده است.

سولتاس و استفن دیوید وویترز (Soltas and Stephens - Davidowitz) در مقاله خود تأکید کرده‌اند که نه تنها اسلام‌هراسی امروزه به بالاترین حد خود در آمریکا رسیده، بلکه تبعیض بر ضد مسلمانان در این کشور، بیش از تبعیض علیه تمامی گروه‌های اقلیتی است. آنان جست‌وجوهای انجام‌شده در اینترنت در مورد گروه‌هایی مانند: سیاه‌پوستان، همجنس‌گرایان، آسیایی‌ها، یهودیان، مکزیکی‌ها و مسیحیان را بررسی کرده، با جست‌وجوهای صورت‌گرفته در مورد مسلمانان مقایسه نمودند و به این نتیجه رسیدند که از سال ۲۰۰۴م که گوگل آرشیوی با جزئیات کامل از میزان جست‌وجوهای کاربران در این موتور جست‌وجو را بایگانی می‌کند، جست‌وجوی کلمات اهانت‌آمیز و تبعیضانه علیه مسلمانان در اینترنت، بیش از سایر گروه‌های اقلیتی است.

تحلیل جست‌وجوهای صورت‌گرفته در گوگل، همچنین نشان می‌دهد که دیدگاه مردم آمریکا به مسلمانان، به‌سرعت و تنها چند دقیقه پس از حملات تروریستی، تغییر می‌کند؛ پیش از حملات پاریس، ۶۰ درصد از جست‌وجوهای مردم آمریکا در اینترنت در مورد پناهجویان سوری، دیدگاه مثبتی نسبت به آنان داشت و حاوی کلماتی مانند: «کمک»، «داوطلب» یا «یاری‌رساندن» بود. ۴ درصد دیگر از مردم آمریکا در همین زمان، دیدگاه منفی به پناهجویان سوری داشتند و به

اینترنت، به افراد امکان می‌دهد که یک هویت جدید و ناشناس کسب کرده، نظارت‌های سنتی را پشت سر گذاشته، دیدگاه‌های خود را به شکل آزادانه‌ای با میلیون‌ها نفر دیگر در سراسر دنیا به اشتراک بگذارند. پیام‌های حاوی اسلام‌هراسی، می‌تواند به وسیله کاربرانی با هویت ناشناس یا با استفاده از یک هویت جعلی ارسال گردد و به این ترتیب، شناسایی مجرم مشکل‌تر شود. ناشناس‌بودن مجرم در موارد اسلام‌هراسی در فضای مجازی، فوق‌العاده خطرناک است؛ چراکه هرکس می‌تواند از این موقعیت سوء استفاده کند؛ ضمن اینکه مطالب منتشرشده در فضای مجازی، راه را برای خشونت علیه مسلمانان در فضای واقعی نیز باز می‌کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

#LETTER4U

یکی از راه‌هایی که برای جلوگیری از گسترش اسلام‌هراسی پیشنهاد می‌شود، آن است که رهبران کشورهای غربی با مردم خویش از اهمیت تساهل و غیرعقلانی بودن نفرت بی‌اساس، سخن بگویند. باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، در یکی از سخنرانی‌های خود پس از کشتار سن برناردینو، از آمریکایی‌ها خواست که تبعیض مذهبی علیه پناهجویان را کنار بگذارند. بررسی تأثیرات سخنرانی وی بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی، به خوبی نشان می‌دهد که برای مبارزه با پدیده اسلام‌هراسی، چه چیزی جواب می‌دهد و چه چیزی جواب نمی‌دهد.

آمار نشان می‌دهد که سخنرانی اوباما هیچ تأثیر مثبتی روی مردم کشورش نداشته است. در مجموع، می‌توان گفت که سخنرانی وی بر گسترش اسلام‌هراسی در فضای مجازی تأثیر مثبت نیز داشته است. اوباما در سخنرانی خود گفته بود: «این وظیفه تمامی آمریکایی‌ها با هر دین و مذهبی است که تبعیض علیه پناهجویان مسلمان را کنار بگذارند.» اما جست‌وجوهای اینترنتی که مسلمانان را «تروریست»، «بد»، «مهاجم» و «شیطان» می‌دانستند، در طول سخنرانی اوباما و کمی پس از آن، دوبرابر شد.

اوباما همچنین، در سخنرانی خود گفت: «این، وظیفه ماست که تفتیش مذهبی در مورد کسانی را که می‌خواهند وارد این کشور شوند، کنار بگذاریم.» اما جست‌وجوهای اینترنتی منفی در مورد پناهجویان سوری که خواهان ورود به آمریکا بودند، ۶۰ درصد رشد داشت و جست‌وجوهایی که خواهان یافتن راهی برای کمک به پناهجویان سوری بودند نیز ۳۵ درصد کاهش یافت. رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود گفت: «فراموش نکنیم که آزادی، بسیار قدرتمندتر از ترس است.» این در حالی است که جست‌وجوهای اینترنتی برای عبارت «کشتن مسلمانان»، در طول سخنرانی وی سه برابر شد.

بنابراین، می‌توان گفت پاسخ مردم آمریکا به سخنرانی باراک اوباما در فضای مجازی، نشان

تهدیدهای امنیتی حضور آنان، مشکوک بودند. این در حالی است که پس از حملات پاریس، درصد افرادی که مخالف حضور پناهجویان سوری در آمریکا بودند، به ۸۰ درصد افزایش یافت.

جست‌وجوی انجام‌شده در اینترنت در مورد «مسجد» نیز وضعیت مشابهی دارد؛ در بیشتر سال‌های دهه گذشته میلادی، معمول جست‌وجوهای اینترنتی در مورد «مسجد» نشان‌دهنده کنجکاوی فرهنگی مردم آمریکا بوده و حاوی عباراتی نظیر: «مسجد چیست؟» و «مسجد به چه معناست؟» و «مسلمانان چه زمانی به مسجد می‌روند» بود؛ اما بلافاصله پس از کشتار سن برناردینو، جست‌وجوهای کاربران در اینترنت در مورد چگونگی بستن و تعطیل کردن مساجد، به یک ششم از جست‌وجوهای اینترنتی آمریکایی‌ها در مورد مسجد تبدیل شد.

با ظهور فضای مجازی، قدرتی نو به عنوان «هژمونی» برای تسلط بر ایدئولوژی، فرهنگ و جوامع مسلمانان پدیدار شده است. از آنجا که انسان، موجودی اجتماعی است، در روابط خود با دیگران که همراه با جاه‌طلبی است، سعی دارد در نهایت ممکن از دیگران بهره ببرد؛ البته در این راه، لازم است خود نیز بهره برساند و یا انسان در رده‌های پایین قدرت، موقعیتی کسب می‌کند که موجب می‌شود خود او قدرتی را برای رده‌های بالاتر ایجاد کند. این مسئله، توزیع قدرت را توجیه‌پذیر می‌کند. هر موقعیتی در عین تلاش برای کسب موقعیت بالاتر، قدرتی را نیز درخواست دارد

در فضای مجازی نیز، ضمن پیدایش مرز مجازی برای حفاظت از اطلاعات و گزینش اطلاعات متناسب با ارزش‌های یک جامعه خاص، این مرزها کارکردهای هویت‌سازی را به عهده گرفته‌اند. در وهله اول، به نظر می‌رسد که مرزبندی و تعیین حدود در فضای مجازی، با آزادی گردش اطلاعات در عصر جهانی شدن، در تناقض است؛ اما نگاه واقع‌بینانه به آن، وجود مرزهای مجازی را ضرورتی انکارناپذیر برای برقراری امنیت شبکه و آزادی جریان اطلاعات تشخیص می‌دهد

می‌دهد که درخواست صبر و تساهل از یک ملت خشمگین، احتمالاً نتایج عکس به همراه خواهد داشت.

سخن پایانی

فلسفه حیات بشری، بر پایه تمایزها و تفاوت‌هاست. انسان‌ها در زمینه نژاد، دین، مذهب، آداب و رسوم، شیوه پوشش و امثال اینها، با یکدیگر متفاوت هستند. بر مبنای همین تفاوت‌ها، بلوک‌بندی و ناحیه‌بندی با استفاده از مرز در فضای جغرافیایی شکل گرفته است. با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیدایش مقوله جهانی شدن، مرزها دچار چالش‌های کارکردی شده‌اند؛ به گونه‌ای که نمی‌توانند فضای پیرامونی خود را به طور کامل کنترل کنند. از این‌رو، مرزها تغییر ماهیت داده‌اند. در عرصه تبادل اطلاعات و تجارت و بازرگانی، از ماهیت نفوذپذیری و کنترل ناقص برخوردار شده‌اند؛ اما در حیطه شاخص‌های هویت‌ساز و صیانت هویت‌ها، از



قلمروهای انسانی به شدت محافظت می‌کنند. به همین ترتیب، در فضای مجازی نیز، ضمن پیدایش مرز مجازی برای حفاظت از اطلاعات و گزینش اطلاعات متناسب با ارزش‌های یک جامعه خاص، این مرزها کارکردهای هویت‌سازی را به عهده گرفته‌اند. در وهله اول، به نظر می‌رسد که مرزبندی و تعیین حدود در فضای مجازی، با آزادی گردش اطلاعات در عصر جهانی شدن، در تناقض است؛ اما نگاه واقع‌بینانه به آن، وجود مرزهای مجازی را ضرورتی انکارناپذیر برای برقراری امنیت شبکه و آزادی جریان اطلاعات تشخیص می‌دهد.

پس، می‌توان دریافت که با ظهور فضای مجازی، قدرتی نو به عنوان «هژمونی» برای تسلط بر ایدئولوژی، فرهنگ و جوامع مسلمانان پدیدار شده است. از آنجا که انسان، موجودی اجتماعی است، در روابط خود با دیگران که همراه با جاه‌طلبی است، سعی دارد در نهایت ممکن از دیگران بهره‌بردار؛ البته در این راه، لازم است خود نیز بهره‌بردار و یا انسان در رده‌های پایین قدرت، موقعیتی کسب می‌کند که موجب می‌شود خود او قدرتی را برای رده‌های بالاتر ایجاد کند. این مسئله، توزیع قدرت را توجیه‌پذیر می‌کند. هر موقعیتی در عین تلاش برای کسب موقعیت بالاتر، قدرتی را نیز درخواست دارد.

قدرت، عبارت است از توانایی انسان در تأثیرگذاری بر اراده فرد یا جمع دیگر و تسلیم در برابر درخواست خود. قدرت، خود هدف نیست؛ بلکه استخدام و برتر بودن هدف است که گاهی با قدرت حاصل است و گاهی با اقتصاد. از این‌رو، ممکن است در موقعیت‌های گوناگون، هریک برای رسیدن به دیگری هزینه شوند؛ چنان‌که اگر هدف انسان الهی شود، از هر دو به عنوان ابزار برای تحقق اوامر الهی بهره می‌گیرد.

بنابراین، قدرت برای قدرت، و قدرت برای استعلا بر دیگران، از نظر قرآن کریم روا نیست؛ بلکه قدرت، ابزاری است که اگر در طریق خواست الهی به کار رود، در حقیقت، بسیج نیروها برای

19. Awan, Imran and Irene Zempi. "we fear for our Lives: Offline and Online Experiences of Anti - Muslim Hostility". Birmingham City University. October. (2015): 26.

20. Hanes, E. and Machin, "Hate Crime in the wake of Terror Attacks: Evidence from 7/7 and 9/11". Journal of Contemporary Criminal Justice. 30. (2014): 247 - 67.

21. King, R. D. and Sutton, G. M. "High Times for Hate Crimes: Explaining the Temporal Clustering of Hate Motivated Offending". Criminology. 51. (2014): 871 - 94.

22. Levin, B. "Cyberhate: A Legal and Historical Analysis of Extremists, Use of Computer Networks in America". American Behavioral Scientist. 45. (2002): 958 - 88.

23. Soltas, Evan and Seth Stephens - Davidowitz. (2015, 12, 12). "The Rise of Hate Search": http://www.Nytimes.com/2015/12/13/opinion/Sunday/the-rise-of-hate-search.html?_r=0

24. Williams, Matthew L. and Pete Burnap. "CYBERHATE ON SOCIAL MEDIA IN THE AFTERMATH OF WOOLWICH: A CASE STUDY IN COMPUTATIONAL CRIMINOLOGY AND BIG DATA". British Journal of Criminology. 25 June. (2015): 3 - 28. ■

فرامین الهی است و اگر در راه باطل به کار گرفته شود، علاوه بر اینکه تابعان، خود مسئول هستند، سردمداران آن قدرت نیز مسئول گمراهی و پیروی تابعان هستند.

در این مقاله، تلاش کردیم نشان دهیم همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در نخستین نامه خود به جوانان غربی تأکید کردند اقدام تروریست‌های به‌ظاهر مسلمان تحت استخدام سران کشورهای غربی، تأثیری جز گسترش اسلام‌هراسی و تقویت پروژۀ «تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری» از سوی دولتمردان غربی ندارد. دو حادثه تروریستی بررسی شده که یکی در اروپا (انگلیس) و دیگری در قاره آمریکا (ایالات متحده آمریکا) به وقوع پیوستند، به صورت تجربی، این سخن رهبر فرزانه انقلاب را تأیید می‌کنند. گسترش سریع اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، این امکان را برای محققان علمی مانند جرم‌شناسی به وجود آورده است که از طریق بررسی افکار شهروندان در جست‌وجوهای اینترنتی و پیام‌های ردوبدل‌شده در شبکه‌های اجتماعی، نگاهی دقیق‌تر به چگونگی شکل‌گیری اسلام‌هراسی پس از حوادث تروریستی‌ای نظیر کشتار سن برناردینو و قتل سرباز انگلیسی در محله وولویچ شهر لندن داشته باشند.

منابع:

۱. دشتی، محمد. ۱۳۸۰. نهج البلاغه. قم: الهادی.
۲. احمدی، حمید. ۱۳۸۱. فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد. تهران: میزان.
۳. تافلز، آلین. ۱۳۷۰. جابه‌جایی در قدرت. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نو.
۴. جوئل، شارون. ۱۳۸۳. ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۸. شریعت در آینه معرفت. قم: اسراء، دوم.
۶. جهانگیری، محسن. ۱۳۷۶. احوال و آثار و آراء فرانسیس بیکن. تهران: علمی و فرهنگی.
۷. راسل، برتراند. ۱۳۷۱. قدرت. ترجمه نجف دریابندری، تهران: خوارزمی.
۸. راش، مایکل. ۱۳۷۷. جامعه و سیاست. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
۹. ژودیت، لازار. ۱۳۸۰. افکار عمومی. ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نی.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷. میزان، قم: جامعه مدرسین، پنجم.
۱۱. عالم، عبدالرحمن. ۱۳۷۳. بنیادهای علم سیاست. تهران: نی.
۱۲. علی‌بابایی، غلامرضا. ۱۳۸۲. فرهنگ سیاسی. تهران: آشیان.
۱۳. کیت، دودینگ. ۱۳۸۰. قدرت. ترجمه عباس مخبر، تهران: آشیان.
۱۴. گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۱. سیاست جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۱۵. لوکس، استیون. ۱۳۷۰. قدرت فرانسوی یا شر شیطانی. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۶. ماکاولی، نیکولو. ۱۳۷۴. شهریار. ترجمه داریوش آشوری، تهران: کتاب پرواز.
۱۷. نبوی، سید عباس. ۱۳۷۹. فلسفه قدرت. تهران: سمت.
۱۸. سید امامی، کاووس و سید محمد مهدی حسینی فائق. «زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان در